

نشانه های نبوت

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر می گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می نماییم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهیم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای پروردگار را همانگونه که شایسته ی اوست پیشه کرده و در ظاهر و باطن مراقب او باشید.

ای مسلمین:

الله متعال پیامبران را برای هدایت بندگان فرستاد، تا با نور وحی که از طرف الله متعال به آنان عطا شده بود، فطرت ویا همان غریزه بشری را کامل بگردانند. پیامبران مردم را به سوی عبادت الله و کارهای نیک، و اخلاق پسندیده دعوت می دهند، نیاز انسان ها به پیامبران بیشتر و برتر از نیاز آنان به خوردن و نوشیدن و نفس کشیدن است، چرا که راهی جز پیروی آنان برای رسیدن به سعادت و رستگاری و کسب رضای الله وجود ندارد.

والله متعال یگانه و بی همتاست، بی نیاز مطلق، قدرت کامل، و علم فراگیر به همه چیز، ولی پیامبران علیهم السلام هیچکدام از این صفات را ندارند مگر صفاتی که الله متعال به آنان عطا نموده است، الله متعال

خطاب به نبی خویش فرمود: ﴿ای پیامبر به مشرکان بگو «من نمی گویم گنجینه های الله نزد من است و غیب نیز نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام»﴾. پس الله متعال از قدرت و پادشاهی و علم خویش آیات و نشانه های واضح و درخشانی به آنان عطا نمود، تا برای بندگان آشکار و روشن گرداند که همانا آنان فرستادگان راستین او هستند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ پیامبری از پیامبران نیست مگر اینکه نشانه ها و دلایل روشن و آشکاری داده است، که با دیدن آنها هر انسانی به نبوت آن اقرار کرده و ایمان می آورد». (متفق علیه). همانگونه که به صالح علیه السلام شتری بزرگ که از داخل صخره بیرون آمد را برای هدایت قوم خویش داد.

و ابراهیم علیه السلام در آتش انداخته شد بدون آنکه آتش به او ضرری برساند.

و موسی علیه السلام نه معجزه آشکار به او داده شد، و با عصا به دریا زد، که دریا با آن شکافته شد، و هر قسمت از آن به صورت کوهی سر به فلک کشیده در آمد، همچنین عصای خویش را به زمین انداخت که به صورت ماری تنومند تبدیل گشت.

و داود و سلیمان علیهما السلام زبان و گویش پرندگان را یاد گرفتند، و از همه چیز به آنان داده شد.

و عیسی علیه السلام با اراده ی الهی کور مادر زاد و بیماری پیسی را شفا داده، و مردگان را زنده می کرد.

و از نشانه هایی که دال بر صداقت و راستگویی آنان می توان به زندگی

شایسته و اخلاق نیکو و والای آنان ، پیروزی و سرانجام آنان و پیروانشان و هلاکت و نابودی دشمنان و مخالفین شان ، اشاره نمود.

والله متعال برای نبی خویش محمد صلی الله علیه وسلم بیشتر از تمام انبیاء معجزات و دلایل حقانیت عطا نمود، شیخ الاسلام ابن تیمیه - می فرماید: «ومعجزه های رسول الله بیستر از هزار معجزه می باشند، در دنیا هر گونه مساله علمی که با علم یقین و اخبار ثابت شده وجود داشته باشد، باز هم علم به معجزات رسول الله و امور دینیش واضح و آشکار تر می باشد، الله متعال فرموده است: ﴿اوست که پیامبرش را با [کتاب] هدایت و آیین حق فرستاد تا [حقانیت برتر] آن را بر همه آدیان آشکار گرداند، والله به عنوان گواهی کافی است﴾».

واز معجزات نبوت ایشان: بشارت دادن انبیاء قبل از ایشان به آمدنش، همانگونه که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام می گفتند: ﴿پروردگارا در میان آنان [مردم مکه] پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، واز [شرک و نادانی] پاکیزه شان گرداند﴾.

وعیسی علیه السلام نیز فرمود: ﴿من مژده دهنده به رسولی هستم که بعد از من می آید﴾،

و فرشته ای نیز در کودکی رسول اکرم صل الله علیه وسلم پیش ایشان آمده و سینه اش را شکافته و آنچه از نصیب شیطان بود را از آن بیرون کرد. همانگونه که الله متعال نیز او را قبل از نبوت از ناپاکیهای دوران

جاهلیت حفاظت نمود، پس او هرگز کسی عورت اش را ندید، وهرگز با دستش بتی را لمس نکرد، وهرگز شراب نخورد، وهرگز با کسی پیمان حرام نبست.

آسمان نیز برای راندن شیاطین با شهاب سنگ ها نگهبانی داده می شد تا رسالت ایشان محفوظ بماند، جن ها گفتند: ﴿واینکه ما آسمان ها را در پی شنیدن (خبر ها جستجو کردیم) وآنرا پر از محافظان نیرومند وتیرهای شهاب یافتیم﴾.

واز معجزات شان می توان به قرآن، و علم وایمانی که پیروانش حمل کردند اشاره نمود ، که در حیات شان وبعد از وفات شان تا روز قیامت باقی خواهد ماند.

ونیز می توان به آنچه که ایشان از امور گذشته وآینده غیبی خبر داده است اشاره کرد که الله متعال او را از به طور مفصل از آن آگاه ساخته بود، اموری که غیر از الله متعال کسی نمی تواند چنین چیزی را به او یاد بدهد، الله متعال در خطاب به پیامبرش فرمود: ﴿ای [پیامبر] اینها از خبر های غیب است که آن را به تو وحی میکنیم، نه تو آنرا پیش از این میدانستی و نه قومت﴾.

و ایشان که درود الله بر او باد برای ما احوال گذشتگان را بیان نمود؛ مانند: قصه آدم، وسجده ملائکه برای او، وقصه ابلیس وخودداری وتکبرش، وهمچنین شرح حال های عجیب وزیادی از قصه های انبیاء ورسل، وآنچه که امت های قبل از ما در آن اختلاف ورزیدند، وقصه اصحاب کهف، وهمچنین اصحاب فیل.

اللہ متعال مخلوقات را به چالش کشید تا سوره ای مانند سوره های قرآن بیاورند، سپس خودش خبر داد که هرگز قادر به چنین کاری نخواهند بود، وکسی توانایی انجام آن را نخواهد داشت، وزمانی که در حال ضعف ودرماندگی در مکه بود به کفار گفت: ﴿به زودی (در جنگ بدر) جمعشان شکست می خورد، وفراری خواهند شد﴾.

صحت این گفته بعد از سالهای طولانی آشکار گشت، همانگونه که قبل از جنگ بدر به صحابه اماکن کشته شدن سردمداران قریش را نشان داده و فرمود: «این مکان قتل فلانی است، انس رضی الله عنه می گوید: «که رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست خویش مکان کشته شدن شان را روی زمین نشان داده و می فرمود: اینجا مکان فلان است، چنانچه هیچکس به غیر از مکانی که رسول الله نشان داده بود کشته نشد». (روایت مسلم).

وزمانی که به سوی خیبر روانه شد «تکبیر گویان فرمود: ((خیبر ویران گردد))، پس الله متعال خیبر را به فتح آنان در آورد. متفق علیه و صحابه اش را به طرف موته برای جنگ با رومیان فرستاد، و قبل از رسیدن خبر شهادت آنان را داد. (روایت بخاری).

و نیز فرمودند: که امپراطوری فارس بر امپراطوری روم در حیات ایشان غلبه خواهد کرد، وزمانیکه فرستاده امپراطور روم پیش ایشان آمد، به او گفت: که پروردگار من (ارباب) تو را امشب کشت. (روایت احمد).

و در مسیرش به سوی تبوک فرمودند: «امشب باد شدیدی وزیدن خواهد گرفته، پس کسی از شما توانایی و تحمل آنرا نخواهد داشت».

واز نزدیکی وفات خویش و رفتن پیش رفیق اعلی (الله متعال) خبر داد، پس بالای منبر نشسته و فرمودند: «بنده ای که الله متعال او را بین اینکه دنیا و زرق و برقش و بین اینکه آخرت را به او بدهد مختار قرار داد، پس او آخرت (آنچه نزد او) است را اختیار نمود، پس ابوبکر شروع به گریه نموده و گفت: پدر و مادران ما فدای تو بگردند. (متفق علیه)، چند روزی نگذشت که دنیا را وداع گفته و نیز فرمودند: «بعد از صد سال از وفاتش کسی از صحابه اش زنده نخواهد ماند». (متفق علیه).

و همه ی آنچه که علیه الصلاة والسلام از آن خبر داده بودند به وقوع پیوست.

واز فتح بیت المقدس خبر داد، و این که بعد از آن طاعونی خواهد آمد که به سبب آن تعداد زیادی از مسلمین خواهند مرد، سپس مال دنیا آنقدر زیاد خواهد شد که کسی نیاز به آن نخواهد داشت. و همان شد که ایشان از آن خبر داده بودند.

بیت المقدس فتح شده و بیماری طاعون نیز در شام افتاد، و هر دوی این در زمان خلافت عمر رضی الله عنه به وقوع پیوست، سپس مال دنیا نیز در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه آنقدر زیاد شد که اگر کسی صد دینار همه به او داده میشد قبول نمی کرد.

و نیز خبر داد که ممالک و شهرها فتح خواهند شد، و اهل مدینه برای کسب رزق و معیشت به آن سرزمین ها هجرت خواهند کرد، «و مدینه برای شان بهتر و افضل تر است اگر بدانند و درک بکنند». (متفق علیه).

و اینکه کسری (امپراطوری ایران) و قسیر (امپراطوری روم) ویران خواهد

شد و گنج ها و دارایی های شان در راه الله انفاق و بخشیده خواهد شد، و دنیا بر امتش گشوده خواهد شد همانگونه که بر امتهای پیشین گشوده گشت، و در آن از همدیگر سبقت خواهند گرفت، همانگونه که آنها از هم سبقت میگرفتند، و اینکه امتش از امتیان پیشین الگو گرفته و دنباله رو آنان می شود، حتی اگر داخل سوراخ سوسمار بروند با آنان خواهند رفت. (متفق علیه).

نشانه های قیامت را که قبل از آمدنش به وقوع خواهند پیوست را بیان نمودند: از کمرنگ شدن و ضعیف شدن علم، و انتشار یافتن جهالت، و ظاهر شدن فتنه ها، و زیاد شدن قتل و کشتار، و بنا کردن ساختمان های بلند قامت، ایشان در میان صحابه خویش ایستاده و همه آنچه را که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد را بیان نمودند، حذیفه رضی الله عنه میگوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما ایستادند و چیزی از وقایع پیش روی قیامت از لحظه ی ایستادنش میان ما تا روز قیامت را ترک نکردند، بعضی ها آن را حفظ نموده و بعضی ها نیز فراموش کردند». (متفق علیه).

واز چشم انداز هایی که در آسمان ها دیده بود برای آنان گفت، والله متعال شبانه او را با روح و جسمش از مکه به مسجد الاقصی برد، سپس از آنجا به سمت آسمان ها رفته تا اینکه به سدره المنتهی رسید، سپس همان شب به مکه برگشت، واز آنچه در بهشت و جهنم و از ساکنان آن دو دیده بود بود برای آنان تعریف نمودند، و همچنین از سدره المنتهی و صدای

نوشتن قلم های در حال نوشتن تدبیر کاینات (آسمان ها و زمین) برای آنان تعریف نمود.

والله متعال او را با آیات کونی و قابل مشاهده تایید نمود، چنانچه که ماه را شکافته و دو نصف نمود، همانگونه که اهل مکه و غیره آن را دیده بودند. نشانه های نبوتش در انسان ها نیز آشکار گشت: در خطبه ی وداع، الله متعال گوش های (توجه و فهم) تمامی حاضرین را که بیش از صد هزار بودند باز کرد که صدایش را بشنوند (روایت ابوداود).

برای انس رضی الله عنه دعای برکت در مال و اولادش نمود، تا جایی که انس در حیات خویش صد و بیست نفر از فرزندان خویش را دفن نمود. (متفق علیه).

برای ابو هریره و مادرش دعا کرد که الله او را نزد مومنان محبوب بگرداند، ابو هریره رضی الله میگوید: «مومنی نیست که نام مرا بشنود در حالیکه مرا ندیده است، مگر اینکه مرا دوست خواهد داشت». (روایت مسلم).

برای عروه بارقی رضی الله عنه دعای برکت در تجارت نمودند، تا جایی که اگر او خاک هم میفروخت در آن فایده میکرد. (روایت بخاری). پای عبد الله بن عتیک رضی الله عنه شکست، که با مسح دستشان شفا یافت. (روایت بخاری).

در چشم های علی رضی الله عنه که ورم کرده بودند آب دهان شان را ریختند، که بعد از آن گویا چشم هایش هرگز درد و ورم نداشت. (متفق علیه).

ونشانه های نبوتش در حیوانات نیز آشکار گشت: «روزی ایشان صلی الله علیه وسلم داخل چهار دیواری از انصار شدند که در آن شتری قرار داشت، زمانیکه شتر ایشان را دید شروع به گریه کرد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم دست بر آن کشید، و او ساکت گشت، و خطاب به صاحب شتر فرمودند: «آیا از الله نمیترسی بعد از آنکه این شتر زبان بسته را به تو ارزانی نمود، او پیش من شکایت از تو کرد که تو او را گرسنه نگه داشته و خسته می کنی.» (روایت ابو داود).

عایشه رضی الله عنها میگوید: «خانواده رسول الله صلی الله علیه وسلم حیوان وحشی داشتند، که با خروج ایشان شروع به بازی و شلوغ کردن و بالا و پایین و راست و چپ رفتن می کرد اما به محض اینکه احساس می کرد که رسول الله وارد شدند آرام گرفته و حرکت نمی کرد تا زمانی که ایشان داخل خانه بودند، از ترس اینکه نکند ایشان را اذیت بکند.» (روایت احمد).

واز نشانه های نبوتش: می توان به زیاد کردن غذا و آب توسط ایشان اشاره نمود، همانگونه که در صلح حدیبیه همراه ایشان هزار و پانصد نفر از اصحابشان بودند، جابر رضی الله عنه میگوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم دستش را داخل کاسه ی کوچک گذاشتند، که ناگه آب بین انگشتانش به شدت مثل چشمه ی آب شروع به فوران نمود، که ما با آن وضو گرفته واز آن سیراب شدیم، از او پرسیدند چند نفر بودید؟ فرمود: اگر ما صد هزار هم میبودیم برای ما کفایت می کرد، ولی ما هزار و پانصد نفر

بودیم». (رایت بخاری).

و در جنگ ذات الرقاع آب کمی را در ظرف غذا خوری جمع نمودند، که از آن تمام لشکریان کاسه های خویش را پر آب نمودند. و در خیبر غذا کم آمد، پس ایشان دستور دادند که هر آنچه لشکریان با خود دارند را جمع بکنند، و ایشان دعای برکت بر آن غذا نمودند، تا جاییکه همه ی لشکریان که تعداد شان هزار و پانصد نفر بود خورده و سیر گشتند. و در تبوک نزدیک سی هزار نفر همراه ایشان بود، که نیاز به آب داشتند، پس ایشان در یکی از چشمه ها وضوء گرفتند و آن چشمه تبدیل به آب سیل آسا گردید، تا اینکه همه از آن خورده و سیر آب گشتند. (روایت مسلم).

سمره بن جندب رضی الله عنه می گوید: «همراه رسول الله صلی الله وسلم بودیم و ما از یک کاسه غذا خوری کوچک از صبح تا شب غذا می خوردیم، ده نفر بلند شده و ده نفر دیگر جایشان می نشست، پرسیدیم مگر چقدر جا داشت؟ فرمود از چه چیزی تعجب می کنید، سپس با دستش اشاره که تا آسمان جا داشت». (روایت ترمذی).

والله متعال برای نشانه ی نبوتش سنگ ها و درختان را به مهار او در آورد: با صحابه اش به بیابانی رفتند و ایشان دست بر دو درخت گذاشتند و آن دو درخت به سوی او آمده و کنار او ایستادند. (روایت مسلم).

جنیان برای شنیدن قرآن در مکه گرد او جمع آمده بودند؛ واز وجود آنها درختی که دور و برش جمع شده بودند به رسول الله خبر داد. (متفق علیه). و ایشان بر تنه ی درخت خرمایی که در مسجدش گذاشته بود خطبه

می خواند، سپس برای ایشان منبری ساخته شد، زمانیکه ایشان بر روی منبر خطبه خواندند، تنه ی درخت با بغض گلو مانند کودکان شروع به گریه نمود، تا اینکه دستشان را روی آن گذاشت تا آرام شود. (روایت مسلم).
با صحابه ی خویش بالای احد رفت که ناگاه احد شروع به لرزیدن کرد، ایشان با زدن ضربه ای بر احد فرمودند: آرام باش ای احد، پس احد آرام گشت. (روایت بخاری).

والله متعال با ملایکه ای خویش چنان نصرت و یاری به ایشان کرد که به هیچ بشری تاکنون چنین یاری نداده بود، در مکه فرشته ی کوه ها از ایشان اجازه گرفت تا دو کوه اخشبین (دو کوه در مکه مکرمه) را بر روی مردم مکه فرود آورد، اما ایشان برای آنان طلب مهلت نمودند.
و در مورد هجرت ایشان الله متعال فرمود: ﴿او دومین نفر بود﴾ یک نفر بیشتر همراه نداشت؛ آنگاه که آن دو در غار [ثور پناه گرفته بودند]، به یار خود [ابوبکر] گفت: «غم مخور بی تردید الله با ماست»، پس الله آرامش خود را بر او فرستاده و او را با سپاهسانی که نمی دیدند تایید و تقویت نمود. ﴿و در غزه بدر ملایکه همراه ایشان جنگیدند، و در احد رسول الله صلی الله علیه وسلم بین جبرائیل و میکائیل دیده شد که با تمام قوت جهت یاری او می جنگیدند. (متفق علیه). و جبرائیل علیه السلام از خندق تا بنی قریظه ایشان را همراهی نمود.

واز نشانه های نبوتش این بود که الله متعال او را از دشمنانش حفظ نموده و فرمود: ﴿الله تو را از گزند مردم حفظ می کند﴾؛ پس با وجود کثرت

شان نتوانستند بر او چیره گردند تا اینکه بر آنان غالب گشت.

برخی از یهودیان ایشان را سحر کردند که الله متعال او را از سحر آنان و مکانش با خبر ساخته، و آنرا باطل گرداند، و سم را در گوشت گوسفند گذاشتند و الله متعال او را با خبر و مطلع ساخت.

از نشانه ها نبوتش اخلاق پاک و منزه و خلقت متکامل اوست.

با وجود آشکار شدن و ظاهر شدن نبوتش و اطاعت بشریت از ایشان، و مقدم کردن شان بر مال و جان خویش، باز هم ایشان بعد از وفات خویش هیچ درهم و دیناری به جا نگذاشتند، نه گوسفندی و نه شتری، مگر قاطر و سلاح و سپرش، که آن را هم پیش یک یهودی به دلیل سی صاع (هفتاد کیلو جو) به رهن گذاشته بود.

و بعد، ای مسلمین هر کس به روش زندگی رسول الله صلی الله علیه و سلم بنگرد، خواهد فهمید که رسول الله کلامی را آورد که نه اولین و نه آخرین هیچکدام قادر به آوردن آن نخواهند بود، و ایشان همیشه امت خویش را امر به توحید الله می کردند، به سوی خیر راهنمایی می نمودند، و از شر باز می داشتند، و الله متعال برای او نشانه های شگفت انگیزی نمایان و آشکارا می نمود.

کامل ترین دین را آورد، و خوبی های تمام امت های پیشین را یکجا جمع نمود، پس امتش کامل ترین امت در تمامی خوبی ها گشته، و همه ی این خوبی ها را از او بر گرفته و یاد گرفتند، او بود که آنان را امر به خوبی ها می کرد، و این شد که بهترین، عالم ترین و افضل ترین انسان های روی زمین گشتند.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿[ای پیامبر] بگو: «من فقط بشری [عادی] همچون شما هستم. به من وحی می شود که تنها معبودتان، الله یکتاست؛ پس هر کس به دیدار پروردگارش در [آخرت] امید دارد، باید کار شایسته انجام بدهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد﴾.

خطبه ی دوم

حمد و ثنا میگویم الله را بر احسان و خوبی هایش، و او را شکر می گذاریم، و او را بر توفیقش و برای ارج نهادن به مقام والای ایزدیش شهادت میدهم که هیچ معبود بر حقى به جز الله وجود ندارد، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

ای مسلمین:

اندیشیدن و فکر کردن در معجزات و نشانه های مبنی بر حقانیت و راستگویی رسول الله صلى الله عليه وسلم سبب افزایش ایمان می شود و توجه نمودن به محاسن و خوبی های آشکار و شریعت پاک اش سبب باعث بالا رفتن مقام و منزلت می شود، چرا که برای ما راهی جهت شناخت الله غیر از رسول الله صلى الله عليه وسلم وجود ندارد.

هرکس قصد شناخت راست بودن رسالت صحیح بودن نشانه های آن را دارد پس به قرآن روی آورد.

و حال آنکه که حاجت انسان ها به رسول الله بیشتر از حاجات شان از همه چیز است، پس الله متعال نیز راه های یافتن به معرفت و راستگویی پیامبران را آسان نموده، و در عین حال آنقدر آنها را زیاد آشکار و نمایان گرداند که کسی غیر از آدم خودبین و مکتبر در ایمان آوردن و در تصدیق به آنها درنگ نمی ورزد.

خیر و خوبی تنها در تأیید کردن نبوت و رسالت و در طاعت از آن است.

سپس بدانید که الله متعال شما را امر به درود فرستادن به نبیش

نموده است.